

نقد ترجمه متون مطبوعاتی فرانسه/فارسی با تکیه بر رویکرد ون‌دایک

مقاله پژوهشی

محمد جبرئیلی

دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه مترجمی فرانسه، دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه علامه طباطبائی

فاطمه میرزا ابراهیم تهرانی

دانشیار، گروه مترجمی فرانسه، دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه علامه طباطبائی

صدیقه شرکت مقدم^۱

استادیار، گروه مترجمی فرانسه، دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه علامه طباطبائی

چکیده

مطبوعات نقش مهمی در انتقال اخبار و اطلاعات روز جهان دارند و می‌توان گفت به‌نوعی افکار عمومی و جامعه را جهت‌دهی می‌کنند. حقیقت انکارناپذیر این است که صاحبان قدرت سیاسی و اقتصادی رسانه‌ها را کنترل و در آنها نفوذ می‌کنند تا بر مردم تأثیر گذارند. حال این پرسش مطرح می‌شود که، در ترجمه متون مطبوعات پیام متن مبدأ تا چه اندازه درست به خوانندگان منتقل می‌شود. پژوهش پیش‌رو بر آن است تا با ادغام برخی از ابزارهای نقد ترجمه با الگوی کلی ون‌دایک مدل مناسبی برای تحلیل و بررسی در محور معنا ارائه دهد تا نشان دهد که مترجمان متون سیاسی اغلب با رویکردی سوبژکتیو (وابسته به تفکر فردی) و متعصبانه محتوای مطبوعات را به نفع خود تغییر می‌دهند که این کار بر تحریف ایدئولوژی حاکم بر خبرهای متن مبدأ اثرگذار است. ازینرو، کوشیده تا بر اساس ساخت‌های پیشنهادی ون‌دایک (ساخت‌های سطحی یا روساخت و ساخت‌های معنایی یا زیر ساخت) در بازنمایی قدرت و ایدئولوژی و با بیرون‌کشیدن تلویحات، پیش‌انگاشت‌ها، طرح واژه‌ها، سبک‌های واژگانی، کارگفت‌ها، انسجام معنایی، سخنوری و غیره، معنای واقعی و ایدئولوژی حاکم بر خبرهای سیاسی را مشخص کند و سپس با مقابله و مقایسه با

1. Email: moghadam@atu.ac.ir

DOI: <https://doi.org/10.22067/rltf.v2i2.87052>

ترجمه آن، به میزان تغییرات اعمال شده و در نهایت چرخش ایدئولوژی متن دست یابد و نشان دهد که مترجم از چه استراتژی‌های زبانی و ترجمه‌ای در محور معنا جهت منطبق کردن آن با باورهای مخاطب زبان مقصد بهره برده است. یافته‌ها نشان می‌دهد، مترجمان، در اکثر موارد، ساخت‌های معنایی متن اصلی را با استفاده از معادل و ساختارهای نا‌مشابه تغییر می‌دهند.

کلیدواژه‌ها: نقد ترجمه، ایدئولوژی، متون سیاسی، تحلیل انتقادی گفتمان، ون دایک

۱. مقدمه

در میان ابزار ارتباط جمعی، مطبوعات از مهمترین عوامل شکل‌دهنده افکار عمومی است؛ زیرا به دلایل گوناگون از جمله ماندگار بودن، دسترسی آسان و همچنین قیمت ارزان و تنوع مطالب و محتوا، تمام گروه‌ها و طبقات مختلف مردم را مخاطب قرار می‌دهد. بنابراین، مطبوعات نقشی اساسی در شکل‌دهی و جهت‌دهی افکار عمومی ایفا می‌کند. در عصر کنونی با در نظر گرفتن قدمت فعالیت ابزارهای ارتباطی، رسانه‌های نوشتاری همچون مطبوعات از اهمیت و سابقه بیشتری برخوردارند. ترجمه متون مطبوعاتی از جمله فعالیت‌های مهم رسانه‌ای خبری در دنیا است. از مسائل مهم در عصر حاضر که خوانندگان توجه خاصی به آن دارند، انتقال صحیح پیام مبدأ است. خانجان در «اثر ایدئولوژی بر ترجمه خبر: یک مطالعه موردی» به نقل از الشهاری می‌نویسد: «در فرایند ترجمه، مترجم پیوسته تحت تأثیر و سلطه ایدئولوژی‌های گوناگونی است که در انتخاب‌های زبانی او نقش دارند: ایدئولوژی مؤلف متن مبدأ، ایدئولوژی کارفرما، انتظارات و ترجیحات عقیدتی مخاطب، هدف و دیدگاه‌های فکری خود مترجم.» این وضعیت، به‌ویژه درباره مترجمانی که در محیط‌های ایدئولوژیک از جمله خبرگزاری‌ها یا تحریریه روزنامه فعالیت می‌کنند، به شکل بارزتری مصداق می‌یابد و محصول کار مترجم اغلب از صافی ایدئولوژیکی اعمال نظر و پراستار، دبیر سرویس یا سردبیر می‌گذرد (خانجان، ۱۳۹۲: ۲). هیچ متنی، به‌خصوص متون مطبوعاتی که در یک محیط ایدئولوژیک تولید و یا ترجمه می‌شود، عاری از بار ایدئولوژی نیستند. برای آشکارسازی ایدئولوژی پنهان در ترجمه این نوع متون و نقد و بررسی استراتژی‌های مترجم برای القای باورهای خود به مخاطب جهت منطبق‌ساختن آن با باورهای فکری حاکم بر جامعه خود، در این پژوهش رویکرد تحلیل

انتقادی گفتمان^۱ را برگزیده‌ایم. از نکات کلیدی این رویکرد نسبت به سایر رویکردها، آشکارسازی اهمیت روابط بین زبان، متن و جامعه است. ماچین و مایر^۲ این رویکرد را اینگونه تعریف می‌کنند: «تحلیل انتقادی گفتمان، آشکارسازی ایدئولوژی مدفون در گفتمان است» (۲۰۱۲: ۱) در واقع، در این رویکرد اعتقاد بر آن است که متون مختلف در سطوح زیرین خود، ایدئولوژی پنهان دارند که می‌تواند در ساخت معنا تأثیر بگذارد.

دیدوید کریستال^۳ (۱۹۹۲) نیز در تعریف تحلیل گفتمان می‌گوید: «رویکردی به تجزیه و تحلیل زبان است که هدف آن، آشکارسازی روابط پنهان قدرت و فرایندهای ایدئولوژیک در زبان‌شناسی است» (به نقل از آقاگل‌زاده ۱۳۸۵: ۱۱).

نظریه «خبر به مثابه گفتمان»، خبر را به مثابه نوع خاصی از گونه‌های گفتمانی بررسی می‌کند و تحلیلگر گفتمانی به خبر فقط به عنوان پیامی تحلیل نشده نگاه نمی‌کند (ون‌دایک^۴، ۱۹۹۱: ۴۱) بلکه رابطه ساختارهای شکلی و معنایی متن با ساختارهای اجتماعی و ادراکی فرامتنی را اساس درک خبر به مثابه گفتمان قرار می‌دهد. با توجه به این نظریه، بخشی از گفتمان رسانه‌ها شامل متون خبری است که رویدادها و رخدادها بین المللی را پوشش و انتقال می‌دهند. در ترجمه این رخدادها، به دلیل تضاد ایدئولوژیک و تفاوت‌هایی که در منافع کشور مبدا با کشور مقصد در بخش‌های سیاسی و فرهنگی و دینی و ... وجود دارد، امکان حضور ایدئولوژی و دستکاری‌های زبانی در فرایند ترجمه خبر از زبان مبدأ به زبان مقصد وجود دارد.

ون‌دایک معتقد است که خبر در عین پابندی به سبک‌های رایج خبری، اهداف خاصی را دنبال می‌کند تا به نتیجه مورد نظر خود دست یابد. جامعه‌شناسان کارکردگرا خبر را عمدتاً اطلاعاتی تعریف می‌کنند که مردم به آن احتیاج دارند تا بتوانند تصمیمات منطقی و عاقلانه در مورد زندگی خود بگیرند (مانشر^۵، ۱۹۸۴) اما درست در نقطه مقابل کارکردگرایان، می‌توان اندیشه‌های انتقادی را یافت که خبر را نه فقط انعکاسی از واقعیت نمی‌دانند (تادگیلتن، ۱۹۸۵ به

1. Critical Discourse Analysis (CDA)
2. D. Machin & A. Mayer
3. David Crystal
4. Van Dijk
5. Mencher

نقل از میرفخرایی، ۱۳۸۹/۱۳۷۸) بلکه اساساً از دیدگاهی معرفت‌شناسانه امکان عینی بودن خبر را رد می‌کنند (فیسک^۱ ۱۹۸۷: ۲۸۸؛ هارتلی^۲، ۱۹۸۲: ۴-۱۱) یعنی دیدگاه‌های انتقادی خبر را در خارج از روابط اجتماعی موجود مورد بررسی قرار نمی‌دهند (هارتلی، ۱۹۸۲: ۴۷) این دیدگاه، «خبر به مثابه یک نهاد اجتماعی» را در خدمت قدرت و سایر نهادهای اجتماعی حاکم ترسیم می‌کنند. به اعتقاد آنان سرمایه و دولت به اشکال مختلف، خبر را در چارچوب‌های مشخصی برای ایفای نقش مهمی در تولید رضایت عمومی و ایجاد سلطه اجتماعی قرار می‌دهند (همان: ۴۷-۵۸) دقیقاً در چنین رابطه‌ای است که خبر، انعکاسی از واقعیت محسوب نشده بلکه به مثابه یک گفتمان درباره یک رویداد خبری مورد بررسی قرار می‌گیرد (همان: ۴-۷).

متون مطبوعاتی از طریق گفتمان می‌توانند ایدئولوژی و باورهای خود را به مخاطب جهت شکل‌دهی و تغییر افکار عمومی به آن‌ها القا کنند. در نتیجه یکی از راه‌های انعکاس ایدئولوژی، حضور در ساخت‌های گفتمانی است.

ون دایک بر این باور است که گفتمان نوعی کنش اجتماعی و رابطه میان ایدئولوژی و قدرت است که، از طریق قابلیت‌های گفتمانی نظیر عنوان، بافتار و سبک گفتمان امکان کنترل افراد یک گروه را به گروه قدرتمند دیگری می‌دهد. (ون دایک، ۲۰۰۰: ۳۶) او معتقد است که این نوع گفتمان بر ذهن و اندیشه مخاطبان اثر می‌گذارد. لذا صاحبان قدرت به طور غیر مستقیم و با استفاده از رسانه‌ها قادرند ذهن و اندیشه دیگران را کنترل کنند. از نظر او گفتمان قدرتمند می‌تواند از طریق تأثیر بر الگوهای ذهنی افراد، بر نوع تعریف آنان از حوادث و رویدادها بر باورها و ایدئولوژی حاکم بر آنها تأثیر گذارد و از آنجایی که صاحبان قدرت، کنترل گفتمان عمومی را در اختیار دارند، پس به طور غیر مستقیم ذهن افراد و رفتارهای اجتماعی آنان را کنترل می‌کنند. لذا ون دایک نیز گفتمان در رسانه‌ها را منبع اصلی شکل‌گیری دانش، طرز تلقی‌ها؛ باورها و ایدئولوژی‌های گروه‌های مختلف از نخبگان و شهروندان عادی معرفی می‌کند (ون دایک، ۲۰۰۰: ۳۶).

1. Fiske

2. Hartley

۲. بیان مسئله و روش پژوهش

در این پژوهش قصد داریم تا بر اساس ساخت‌های پیشنهادی ون‌دایک، و با بیرون کشیدن تلویحات، پیش‌انگاشت‌ها، طرح واژه‌ها، سبک واژگانی، کارگفت‌ها، انسجام معنایی، سخنوری و غیره، معنای واقعی و ایدئولوژی حاکم بر خبرهای سیاسی را مشخص کنیم و سپس با مقابله و مقایسه با ترجمه آن، به میزان تغییرات اعمال شده و در نهایت چرخش ایدئولوژی متن دست یابیم تا دریابیم که مترجم از چه راهکارهای زبانی و ترجمه‌ای در محور معنا جهت منطبق کردن آن با باورهای مخاطب زبان مقصد بهره برده است.

نگارندگان در این پژوهش خبرهای انتشاریافته در پایگاه‌های خبری چون ایرنا، ایسنا، باشگاه خبرنگاران، خبرگزاری فرانسه و غیره را بر اساس ساخت‌ها و راهکارهای پیشنهادی ون‌دایک تحلیل کرده و به دنبال یافتن ایدئولوژی نهفته در این اخبار از زبان سیاستمداران، روزنامه نگاران و مدیران که قشر تأثیرگذار جامعه را تشکیل می‌دهد، هستند. مثال‌ها و ترجمه‌ها از رخدادهای و موضوعات مختلفی که در سال ۱۳۹۸ در مطبوعات و سایت‌های داخلی ایران و فرانسه بازتاب داشتند انتخاب شده‌اند. رخدادهای و وقایع به زبان فارسی و فرانسه به همراه ترجمه‌های آن‌ها برای تحلیل و بررسی در چارچوب موردنظر به روش خودگزینشی انتخاب شده است. با توجه به موضوع، یعنی نقد ترجمه و بررسی انتخاب‌های ایدئولوژیک مترجم، رخدادهایی که دارای تغییرات و بار ایدئولوژیک بارزتری هستند انتخاب شده‌اند. ابتدا ابزارهای محور معنا را طبق نظر ون‌دایک معرفی می‌کنیم و سپس از طریق آن به تجزیه و تحلیل ایدئولوژی به‌کار رفته در ترجمه موارد مورد نظر می‌پردازیم.

چگونه می‌توان اخبار سیاسی را در پرتو رویکرد ون‌دایک به قدرت، تحلیل کرد؟ مترجم تا چه اندازه ساخت‌های معنایی و ایدئولوژی نویسنده یا گوینده را تحریف کرده است؟ مترجم از چه استراتژی‌های زبانی در محور معنا جهت القای ایدئولوژیک خود به مخاطب بهره برده است؟

در این مقاله تلاش کردیم رویکرد تحلیل انتقادی گفتمان ون‌دایک را بارویکرد نقد ترجمه تلفیق کنیم.

ون‌دایک یکی از شناخته‌شده‌ترین و با نفوذترین تحلیلگران گفتمان انتقادی است که تأکیدش بر عدم وجود روش‌شناسی واحد است. وی تحلیل انتقادی گفتمان را نوعی تحلیل گفتمان می‌داند که روش‌های سوء استفاده از قدرت اجتماعی، سلطه و نابرابری و نیز مقاومت متون در بافت‌های اجتماعی و سیاسی درمقابل آن‌ها را مورد مطالعه قرار می‌دهد. او معتقد است که با چنین روش تحلیلی، تحلیلگران گفتمان انتقادی در تلاش هستند تا نابرابری‌های اجتماعی را کشف و افشا نمایند و در نهایت در مقابل آن ایستادگی کنند (ون‌دایک، ۱۹۸۸: ۱).

۳. پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر پژوهش‌های فراوانی در خصوص تحلیل انتقادی گفتمان انجام شده است؛ یکی از رویکردهایی که در این نوع تحلیل به کار می‌رود و مورد توجه تحلیل‌گران قرار گرفته، رویکرد «ون‌دایک» است. پژوهش‌های گوناگون و مختلفی با این رویکرد به رشته تحریر در آمده است که بیشتر آن‌ها در رابطه با روزنامه‌ها، مطبوعات عربی و به خصوص انگلیسی زبان است. پژوهشگران و محققان این زمینه کمتر به نقد و بررسی ترجمه متون مطبوعاتی فرانسه با رویکرد تحلیل انتقادی گفتمان پرداخته‌اند.

آقا گل‌زاده و پوراصفهبانی در مقاله خود با عنوان «بررسی بازنمایی ایدئولوژی در متون ترجمه‌شده سیاسی انگلیسی در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی: محورهای سبک و بلاغت»، به بررسی بازنمایی ایدئولوژی در ترجمه متون سیاسی انگلیسی پرداخته‌اند. آن‌ها در پژوهش خود با بهره‌گیری از دستاوردهای رویکرد تحلیل انتقادی گفتمان و الگوی نظری ون‌دایک (۲۰۰۴)، بکارگیری محورهای سبک و بلاغت توسط مترجمان فارسی زبان، سعی در به چالش کشیدن دلایل ایدئولوژیک احتمالی گزینش واژه‌ها داشتند. یافته‌های به دست آمده در این پژوهش نشان می‌دهد مترجمان برای انتقال ایدئولوژی مد نظر خود از محورهای سبک (واژه‌گزینی) به طور مستمر استفاده کرده‌اند. هم‌چنین در مقایسه با محور سبک، محور بلاغت و راهبردهای آن برخلاف فرهنگ ما که غنی و مملو از گنجینه‌ها و آرایه‌های ادبی است، کمتر مورد استفاده مترجمان فارسی متون سیاسی در راستای انعکاس ایدئولوژی‌شان قرار گرفته است.

و دلیل این مساله می‌تواند ماهیت صریح و بی‌پرده بودن متون سیاسی باشد که در تقابل با آنچه که زبان ادبی سعی در پوشیده ساختن رموز و واژه‌ها دارد می‌باشد (آفاگل زاده و پوراصفهانی، ۱۳۹۵: ۴۵)

کوشا و شمس (۱۳۸۴)، در مقاله «مسأله انرژی هسته‌ای ایران در خبرهای بریتانیا، بررسی نقادانه خبرها به تحلیل عناوین اصلی روزنامه‌های کشور»، به موضوع برنامه هسته‌ای ایران بر مبنای الگوی پیشنهادی ون‌دایک (۱۹۹۸) پرداخته‌اند و به این نتیجه دست یافته‌اند که تصویر ارائه شده از وقایع جهان در رسانه‌های خبری، اغلب تصویری غیرواقعی و متأثر از ایدئولوژی است.

شیروان (۱۳۸۸) نیز از دیگر محققانی است که با بهره گرفتن از رویکرد تحلیل انتقادی گفتمان و مدل ون‌دایک و فرکلاف به بررسی نحوه بازنمود استیضاح «مهاجرانی» وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی سابق در روزنامه‌های دو گروه با ایدئولوژی مخالف به این نتیجه رسیده است که گفتمان رسانه‌ای، گفتمان بی‌طرف نیست و رسانه‌ها بر اساس گرایش‌های ایدئولوژیک خود به توصیف رویدادها می‌پردازند.

در مقاله «کارکردهای استعاره دستوری اسم‌سازی در گفتمان سیاسی فارسی و انگلیسی: رویکرد ون‌دایک»، رضا پور و احمدی (۱۳۹۵) بر روی نقش استعاره دستوری اسمی‌سازی در گفتمان سیاسی مطالعه کرده‌اند. یافته‌های آنان مؤید این مطلب است که استعاره اسم‌سازی با تغییر ساخت اطلاعی جمله و مبتدا سازی، ارجاع به پیش فرض‌ها، استلزام معنایی^۱ حذف عامل و تغییر مدل‌های ذهنی خواننده باعث برجسته‌سازی می‌شود؛ در واقع اسم‌سازی باعث می‌شود نویسنده بدون این که نیاز باشد اطلاعات تکراری را مرور کند به دانش پیش‌زمینه‌ای خواننده ارجاع و نیز از اسم‌هایی استفاده می‌کند که معنای مفهومی مشابهی دارند. و بسامد این نوع استعاره در روزنامه‌های فارسی زبان بیش از انگلیسی زبان است.

شیروان و شریفی (۱۳۹۳) در مقاله خود تحت عنوان «تأثیر مؤلفه‌های واژگانی بر میزان صراحت یا پوشیده‌گویی در متون مطبوعاتی» به تأثیر مؤلفه‌های واژگانی بر میزان صراحت یا پوشیده‌گویی در متون مطبوعاتی با رویکرد تحلیلی انتقادی گفتمان فرکلاف پرداخته‌اند.

ساختارهای گفتمان مدار در تحقیق آن‌ها عبارتند از: نام گذاری و ارجاع، استعاره، کنایه و مجاز. نتایج به دست آمده از این مقاله حاکی از آن است که کاربرد سه مؤلفه استعاره، کنایه و مجاز در متون، به صراحت نداشتن و پوشیده‌گویی می‌انجامد. همچنین مؤلفه ارجاع و نام‌گذاری می‌تواند منجر به صراحت یا بالعکس پوشیده‌گویی شود و این که روزنامه‌ها بر اساس دیدگاه‌ها، ایدئولوژی‌ها و اهداف مورد نظر خود، به توصیف رویداد پرداخته‌اند.

چارچوب نظری پژوهش؛ تحلیل گفتمان انتقادی ون‌دایک و نقد ترجمه

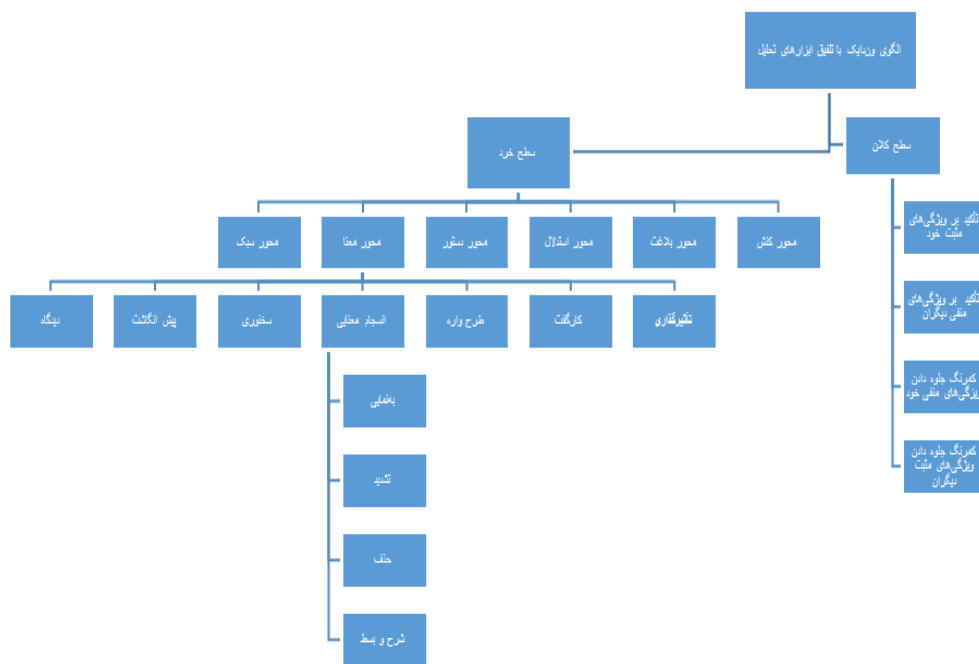
نقد در کشور ما عمدتاً مبانی، اصول، روش و سازوکار مشخص و ملموسی ندارد. بیشتر نقدها مطالبی را جسته و گریخته ارائه می‌دهند (هاشمی میناباد، ۱۳۹۶: ۱۰۹). بیشتر نقد و بررسی‌های ترجمه که در مطبوعات انتشار می‌یابد در انتقال مسئله و اشکال و ایراد و نیز مزایا و محاسن ترجمه دچار اشکال هستند و تنها اشتباه ترجمه را بیان می‌کنند و درست آن را پیشنهاد می‌دهند و از بیان علمی بی‌بهره‌اند (همان: ۲۴۷).

فرحزاد در ارتباط با نقد ترجمه در «چارچوب نظری برای نقد ترجمه» می‌گوید که نقد ترجمه، خوانشی انتقادی است که چارچوب کلی آن تحلیل انتقادی گفتمان است و زیربنای آن این اندیشه است که زبان نمی‌تواند بی‌طرف باشد. (فرحزاد، ۱۳۸۲: ۳۳) او همچنین اذعان می‌دارد که «نقد ترجمه با مقابله تفاوت دارد. اساس مقابله مفهوم «درست و غلط» است بی‌آنکه حدود و ثغور این مفهوم مشخص باشد، چون غالباً آنچه از نظر یک منتقد غلط ترجمه‌ای محسوب می‌شود، از نظر دیگری کاملاً توجیه‌شدنی است.» (همان) بنابراین می‌توان اظهار نمود که مقابله محدود به متن است و با غلط‌گیری و ویرایش سروکار دارد، اما نقد ترجمه با مجموعه انتخاب واژگانی و نحوی مترجم و تأثیر آن‌ها در جامعه و خوانندگان سروکار دارد و فراتر از متن عمل می‌کند.

ون دایک به عنوان یکی از شناخته شده‌ترین تحلیلگران گفتمان انتقادی بر این مسأله تأکید دارد که هیچ روش‌شناسی واحدی وجود ندارد. او می‌گوید که تحلیل انتقادی گفتمان دارای یک چارچوب نظری و با یک روش‌شناسی منحصر به فرد نیست و به همین دلیل می‌توان به آن به عنوان یک رویکرد بینا رشته‌ای نگریست که به جای تأکید بر یک مکتب خاص، طیف

وسیعی از روش‌ها را در بر می‌گیرد (مک گرگور^۱، ۲۰۰۳: ۳) او متن را در دو سطح تجزیه و تحلیل می‌کند: ۱) ساختارهای خرد^۲، ۲) ساختارهای کلان^۳. در مورد اول متن از نظر نحو و در مورد دوم متن از نظر اندام واره بلاغی تجزیه می‌شود. با توجه به نگرش ون‌دایک می‌توان تحلیل گفتمان انتقادی را به عنوان یک رویکرد بینا رشته‌ای تلقی کرده و با رویکرد نقد ترجمه تلفیق نمود.

در الگوی زیر، طرح تلفیقی ابزارهای تحلیلی نقد ترجمه با الگوی تئون ون‌دایک در تحلیل انتقادی گفتمان به نمایش گذاشته شده است.



شکل ۱. طرح واره تلفیقی ابزارهای تحلیلی با الگوی تئون ون‌دایک در تحلیل انتقادی گفتمان

1. McGregor, 2003:3

2. Micro-structures

3. Macro-structures

در شکل بالا، با تلفیق الگوی ون‌دایک و عناصر نقد ترجمه، می‌توان نگاهی تازه و بینارشته‌ای به تحلیل انتقادی گفتمان داشت. ون‌دایک برای روشی که در تحلیل انتقای گفتمان به کار می‌گیرد، عنوان تحلیل گفتمان شناختی - اجتماعی بر می‌گزیند؛ در نتیجه وی متن را در دوسطح کلان و خرد تحلیل می‌کند.

به گفته ون‌دایک، سطح کلان متن، در حقیقت سطحی انتزاعی است که با استفاده از آن، روابط بین گروه‌ها و کنش‌گران اجتماعی، نهادها و سازمان‌ها در یک جامعه با لحاظ کردن مفاهیم فرازبانی؛ مثل ایدئولوژی، سیاست و قدرت، توصیف و تحلیل می‌شود. (۲۰۰۴: ۳۱) سطح کلان و یا همان مربع ایدئولوژیک دارای چهار رکن اصلی است که عبارتند از: تأکید بر ویژگی‌های مثبت خود، تأکید بر ویژگی‌های منفی دیگری، کمرنگ جلوه دادن ویژگی‌های منفی خود، کمرنگ جلوه دادن ویژگی‌های مثبت دیگران.

ون‌دایک در چارچوب تحلیل خود برای سطح خرد شش محور: معنی، نحو، استدلال، سبک، بلاغت و کنش و گفتار را معرفی می‌کند. سطح معنا نیز عناصر دیگری همچون دیدگاه، پیش‌انگاشت، انسجام معنایی، طرح‌واره، کارگفت و تأثیرگذاری را در بر می‌گیرد. از ویژگی‌های الگوی ون‌دایک، چند سطحی بودن این الگو است که به منتقد این امکان را می‌دهد تا ساخت‌های گفتمان مدار معنا را در سطح خرد یا کلان با در نظر گرفتن بافت و شناخت اجتماعی در لایه‌های مختلف متن بررسی و نقد کند. با توجه به این که مترجم هنگام ترجمه از خط فکری و ایدئولوژی خاصی زمان انتخاب واژگان در سطح معنا پیروی می‌کند، می‌توان ادعا کرد که ترجمه او در زبان مقصد وفادارانه نخواهد بود. در واقع انتخاب‌های او باعث عدم انتقال برخی از اطلاعات و یا تحریف واقعیت می‌شود. در نقد متون مطبوعاتی، زمانی که تحلیل‌گر ابزار مفهومی لازم برای نقد ترجمه را در اختیار دارد، می‌تواند اندیشه‌های خود را با دلایل علمی برای تبیین مشکلاتی که در ترجمه با آن مواجه می‌شود بیان کند. ازینرو، خواننده متوجه می‌شود، مترجم از طریق چه ابزاری متن ترجمه‌شده را در جهت القای ایدئولوژی خود به مخاطب به کار گرفته است. در نتیجه در این بخش ساخت گفتمان مدار در محور معنا را مورد بحث قرار می‌دهیم. با توجه به نوع متن انتخاب شده و بینارشته‌ای بودن الگوی تحلیل گفتمان انتقادی از چارچوب ون لیون عنصر حذف و دو ابزار تشدید و شرح و

بسط را در محور معنا به الگوی ون‌دایک اضافه کرده‌ایم تا از این طریق به کارگیری و حضور ایدئولوژی در لایه‌های مختلف متن را نقد کنیم.

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این بخش استراتژی‌هایی که مترجم از طریق آن توانسته ایدئولوژی و باورهای خود را به مخاطب القا کند، معرفی و چگونگی استفاده آن‌ها در ترجمه را در سطح خرد متن و در محور معنا مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۴.۱. مولفه‌های تلفیقی محور معنا در مدل ون‌دایک

۴.۱.۱. ساخت‌های معنایی

به گفته ون‌دایک، ساخت‌های معنایی عموماً با معنا و گاه با پدیده‌های شناختی، مانند بازنمون‌های ذهنی یا راهکارهای درک و تولید، همراه هستند. ساخت‌های معنایی رابطه روشن‌تر و مستقیم‌تری با ایدئولوژی، عقاید، نگرش‌ها و دانش نژادی دارند. گویشوران ساخت‌های سطحی را با دشواری بیشتری نسبت به معنا (محتوا) کنترل می‌کنند (ون‌دایک، ۱۹۹۳: ۱۴). اگرچه ساخت‌های سطحی بخش مرئی‌تر گفتمان هستند، اما کاربران زبان اساساً از معنا آگاه هستند. در ساخت‌های معنایی پیچیده‌تر متون، ابزارهای دیگری وجود دارد که نشان‌دهنده نظرات سخنگو و عقاید نهفته اوست. ون‌دایک بر روی ساخت‌های معنایی تأکید بیشتری دارد، اما با وجود این اظهار می‌دارد که ساخت‌های معنایی نیاز به ساخت‌های سطحی یا «رمزگذاری» دارند و ساخت‌های سطحی برای درک گفتمان مهم هستند.

الف. دیدگاه^۱

رویدادها معمولاً از دیدگاه خاصی شرح داده می‌شوند. به عبارت دیگر، دیدگاه منظری است که از زاویه آن رویدادها دیده می‌شوند، مانند بیان و گزارش خبرها از دیدگاه پلیس، مقامات، دوربین، رسانه‌ها و قربانیان. همچنین، استفاده از ضمیر «ما» و «آن‌ها»، علاوه بر جداکردن اکثریت از اقلیت، دیدگاه را نیز نشان می‌دهد (افخمی، ۱۳۹۷: ۵۴).

ب. تلویحات^۱

گفتمان فقط دارای معناهای محدودی در ظاهر نیست، بلکه معنای تلویحی دیگری نیز دارد و ما معمولاً قادریم این معناهای تلویحی را استنباط کنیم. برای نمونه، وقتی در روزنامه می‌خوانیم «دیروز ده پناهنده تامیلی اخراج شدند»، در اینجا این معنای ضمنی وجود دارد که این پناهندگان قبلاً در کشور بوده‌اند و پلیس و مقامات در راندن آنها از مرز درگیر بوده‌اند و معناهای دیگری از این قبیل.

ج. پیش‌انگاشت^۲

یک نوع تلویح ویژه پیش‌انگاشت است. برای نمونه، وقتی مدیر شرکتی می‌گوید «لازم است که فقدان مهارت متقاضی کار اقلیت از طریق برنامه‌های آموزشی اضافی از بین برود»، پیش‌انگاشت او این است که این‌گونه متقاضیان فاقد مهارت و تحصیلات کافی هستند. (همان)

د. انسجام معنایی^۳

متن و گفتار به طور معمول شامل ترتیب جملاتی است که بیان‌کننده یک اندیشه هستند. گزاره‌ها و جملات چنین ترتیبی، تا حد زیادی با همدیگر مرتبطند. برای مثال، «سال گذشته قیمت کالاها افزایش یافته» بنابراین «دولت تمهیدات جدیدی را برای کاهش کالاهای ضروری اتخاذ کرده است». گزاره‌های پی در پی و پیوسته می‌توانند نقش‌های متنوعی داشته باشند، مانند نقش توضیحی، تعمیم، تخصیص، تضاد، دلیل تراشی و مثال زدن. در اینجا منظور از انسجام، انسجام معنایی است، نه دستوری.

ه. سطح توصیف و درجه کامل بودن^۴

جنبه‌های خبری مهم‌تر یا ارزشمندتر رویداد با جزئیات بیشتری شرح داده می‌شود و این بستگی به نگرش گوینده یا نویسنده دارد که مطالبی را که می‌خواهد مهم جلوه دهد با جزئیات بیشتر و موضوعاتی را که می‌خواهد کم اهمیت نشان دهد با جزئیات کمتری شرح می‌دهد.

-
1. Implications
 2. Présupposition
 3. Cohérence
 4. Complétude

و. کارگفت‌ها

گفتمان نوعی گُنش اجتماعی است. پاره گفتارهای خاص در بافت های خاص (کارگفت) یافت می‌شوند، مانند پرسش، درخواست، قول دادن و تهمت زدن. کارگفت شامل دستور، تهدید و سفارش است.

ز. تأثیرگذاری

مدیریت، اداره و کنترل «تأثیرگذاری» نقش مهمی بازی می‌کند. «انکار» شکل رایج تأثیرگذاری است که فرم معمول آن عبارت است از «من بر ضد مسلمانان نیستم اما...». دلایل استفاده از این فرم مختلف است، اما نمایش مثبت خود (حفظ وجهه) که هدف آن ممانعت از ایجاد تأثیر بد بر مخاطب یا ایجاد تأثیر مثبت بر آنهاست. گاهی از تسکین دادن، مانند به گویی، استفاده می‌شود تا خود را مثبت نشان دهند. گاهی از دلیل تراشی (موجه سازی) استفاده می‌شود، مانند «این که ما مهاجرت را محدود می‌کنیم دلیلش این نیست که ما نژادپرستیم، بلکه به این خاطر است که نمی‌خواهیم موقعیت بقیه مهاجران را بدتر کنیم». گاهی قربانیان حتی «سرزنش» هم می‌شوند، مانند «اگر آنها آموزش بهتری به دست نیاورند و درگیر خلاف، مواد مخدر و جنایت شوند، تعجبی ندارد که شغلی به دست نیاورند یا مورد تبعیض واقع شوند. گاهی از معکوس کردن استفاده می‌شود، مانند «نه ما، بلکه آنها نژادپرست واقعی هستند».

۵. تحلیل داده‌ها بر اساس رویکرد گفتمان انتقادی ون دایک و نقد ترجمه

کلیه خبرها برگرفته از سایت‌های خبری پراستناد فارسی و فرانسه است. از آنجایی که «ترتیب» واژگان در تحلیل گفتمان مهم و ضروری است، پس از ترجمه ارائه شده در خبرگزاری، ترجمه تحت اللفظی جملات نیز آورده شده است.

مورد اول

جدول ۱

Figaro : Macron appelle la nation à «se mobiliser» face à l'« <i>hydre islamiste</i> »	خبر به زبان اصلی
Rfi فارسی: امانوئل ماکرون: علیه هیولای اسلام‌گرایی متحد شویم.	ترجمه ارائه شده
ماکرون مردم را به «متحد شدن» علیه «مار چند سر اسلام‌گرایی» فرا می‌خواند.	ترجمه کلمه به کلمه

امانوئل ماکرون رئیس‌جمهور فرانسه پس از حمله به مقر پلیس در پاریس و کشته شدن چهار نیروی پلیس توسط یکی از همکارانشان، خواستار مبارزه با افراد دارای عقاید افراطی شد و جمله مذکور را در مراسم آیین ادای احترام به این چهار پلیس بیان کرد. پس از تحقیقات پلیس فرانسه مشخص می‌شود که قاتل اداره پلیس، انگیزه‌های اسلام‌گرایانه داشته، زیرا در بازرسی از منزل او به فلش‌هایی دست یافتند که شامل ویدئوهای تبلیغاتی داعش و اسامی همکاران او بوده است. همچنین تحقیقات نشان می‌دهد که او با محافل سکفی‌آشنایی داشته. به همین دلیل ماکرون در سخنرانی خود اسلام‌گرایی را به «هیولا» تشبیه کرده است.

سخنوری

«se mobiliser» face à l'«*hydre islamiste*» علیه هیولای اسلام‌گرایی متحد شویم. اصطلاحی با هدف تأثیرگذاری است که اشاره به خطرناک بودن مسلمانان به ویژه افراط‌گرایان دارد. در حقیقت ماکرون به عنوان صاحب قدرت، مردم را به متحدشدن علیه «هیولای اسلام‌گرایی» فرا می‌خواند «appeler la nation à». کاربرد این فعل در زبان فرانسه بیانگر دستور دادن فرد بالادست به فرد زیردست است.

تلویح و پیش‌انگاشت

در این جمله این معنای ضمنی وجود دارد که تعداد اسلام‌گرایان در کشور زیاد است و باید حتماً راهکاری را بر علیه آنها اتخاذ کرد.

تأثیر گذاری

در فرهنگ لاروس اصطلاح «hydre» به اینصورت تعریف شده است: «در اسطوره‌شناسی یونان به معنای حیوان افسانه‌ای، که به شکل مار آبی است». در فرهنگ اسطوره‌شناسی^۱ نیز این واژه به معنای «هیولایی با کالبد سگ یا مار که چندین سر دارد. تعداد سرهای او متغییر است. بین این سرها، یک سر جاودانه است و هر بار که یک سر او را قطع کنند چندین سر به جای او می‌رویند.» با توجه به توضیحات داده شده می‌توان گفت که هدف رئیس جمهور فرانسه از تشبیه اسلام به «هیدرا» برای نشان‌دادن شدت خشونت مسلمانان این کشور به واسطه این نوع حمله‌ها و عدم رعایت قواعد سیاسی و اجتماعی در جامعه فرانسه است. با تشبیه اسلام‌گرایی به ماری با چندین سر، دلیل تراشی شده که به علت انواع گوناگون اسلام‌گرایی افراطی، باید علیه آنها متحد شد و بدین سان تأثیر خود را بر جامعه گذاشت. شاید قیاس اسلام‌گرایی با واژه دیگری، چنین تأثیر بالایی را نمی‌توانست داشته باشد.

دیدگاه

ضد مسلمانان: همان‌طور که اخوان کاظمی، صادقی و شاکری «تحلیل جریان‌های اسلام‌گرای سلفی در فرانسه» ذکر کرده‌اند، فرانسه در میان سایر کشورهای اروپایی بیشترین مسلمان را در خود جای داده است و غالب این مسلمانان در زندگی اجتماعی خود گرایش‌های مسالمت‌جویانه دارند، اما گروه‌هایی از آنها در قالب جریان‌های اسلام‌گرایی سلفی، عقاید و رفتار معارضة‌جویانه و افراطی دارند. (اخوان کاظمی، صادقی و شاکری، ۱۳۹۵: ۱۱۰)

لذا در جمله ماکرون می‌توان نوعی ضدیت با حضور مسلمانان و به ویژه افراط‌گرایان اسلامی را حس کرد.

طرح‌واره

داستان‌های منفی در مورد مسلمانان: گفته شده اکثر جریان‌ات تروریستی زیر نظر گروه‌های اسلامی سازماندهی می‌شود.

ترجمه

مترجم در ترجمه خبر از عبارت «هیولای اسلام‌گرایی» استفاده کرده است. در حالیکه طبق تعریف‌های فرهنگ لاروس و اسطوره‌شناسی، معنای حقیقی «هیدرا» سنگین‌تر و خشونت‌آمیزتر است.

به نمایی^۱

از آنجایی که بیان دیدگاه‌ها درباره وقایع، بیانگر چارچوب‌های ایدئولوژیک زیربنایی هستند، اطلاعات معمولاً به صورتی در گفتمان ارائه می‌شود که دیدگاه مثبتی در رابطه با خود ایجاد کند (ون دایک، ۲۰۰۷: ۱۰۱) در واقع مترجم/نویسنده/گوینده شدت کلمه یا کلماتی که در متن مبداء پررنگ است را کاهش می‌دهد و واژگانی با بار معنایی مثبت و یا خنثی‌تری انتخاب می‌کند؛ در واقع از یک مفهوم رقیق‌تر استفاده می‌کند.

اشاره به این نکته ضروری است که همان‌طور که در تحقیق پلیس مشخص شد، این فرد گرایش سلفی و یا همان افراط‌گرایانه داشته است؛ به همین دلیل نمی‌توان صفت «هیدرا» را به کل اسلام و یا اسلام واقعی نسبت داد. آیات و روایات فراوانی مبنی بر بخشندگی و رحمانیت اسلام وجود دارد. برای مثال تمام سوره‌های قرآن به جز یک سوره (توبه) با بسم‌الله الرحمن الرحیم آغاز می‌شود و این بزرگترین دعوت الهی به پدید آوردن رحمت و بخشش و پرهیز از خشونت است. (شیرودی، ۱۳۸۲: ۱۷۳) در نتیجه مترجم با در نظر گرفتن اهمیت بار منفی «هیدرا» در زبان مقصد و عدم پذیرش آن توسط مخاطب فقط از کلمه «هیولا» در ترجمه استفاده کرده است تا حسن تعبیر خود را نشان دهد. با توجه به اسطوره‌شناسی واژه هیدرا، مترجم می‌توانست از کلمات «هیولای چند سر اسلام» استفاده کند.

1. Euphémisme

2. Van Dijk, 2007:101

۲. مورد دوم

جدول ۲

خبر به زبان اصلی	ایرنا: <u>محو</u> اسرائیل به معنای محو مردم یهودی نیست، چراکه ما با آنها هیچ کاری نداریم
ترجمه ارائه شده	Rt France: <i>La disparition</i> d'Israël ne signifie pas la disparition du peuple juif car nous n'avons aucun problème avec lui.
ترجمه کلمه به کلمه	L'éradication d'Israël ne signifie pas l'éradication du peuple juif, car nous n'avons aucun problème avec lui.

طرح واره

ضد یهودیت: رهبر انقلاب اسلامی در هفته وحدت در دیدار با مسئولین و مردم از جمله فوق استفاده کردند. منظور رهبر انقلاب در راستای جمله امام خمینی (ره) یعنی: «اسرائیل غده سرطانی است و باید از روی زمین محو گردد» می باشد. یعنی منظور از واژه «محو» از بین بردن غده سرطانی است یا به عبارت دیگر ریشه کن کردن آن است.

تلویح و پیش انگاشت

از این جمله این منظور ضمنی استنباط می شود که مسئله اسرائیل و اختلافات سیاسی با این کشور، از اول انقلاب جمهوری اسلامی مطرح بوده است.

سخنوری

واژه «محو» دوبار در جمله آیت الله خامنه ای استفاده شده است که این نکته اهمیت مسئله «محو اسرائیل» را به مخاطب نشان می دهد و این نوعی سخنوری با هدف تأثیرگذاری است و با این نیت که موضوع اسرائیل را نزد مردم بسیار مهم جلوه دهد و بر آنها تأثیر بگذارد.

انسجام معنایی

همان گونه که پیشتر اشاره شد، متن و گفتار به طور معمول شامل ترتیب جملاتی است که بیان کننده یک اندیشه هستند. گزاره و جملات چنین ترتیبی، تا حد زیادی با همدیگر مرتبطند. در این دو جمله، آیت الله خامنه ای ابتدا مسأله محو اسرائیل را مطرح کرده و سپس با استفاده از حرف ربط «چراکه» دلیل می آورند مبنی بر این موضوع که «ما با آنها (مردم یهودی) هیچ کاری نداریم.»

ترجمه

به‌گویی

در ترجمه جمله آیت‌الله خامنه‌ای، مترجم فرانسوی برای واژه «محو» معادل فرانسوی «disparition» را انتخاب کرده‌است. در فرهنگ لغت لاروس معادل «disparition» به فرانسه «action de s'effacer» آمده‌است و به معنای عمل پاک کردن است. تعریف معادل فارسی این لغت در فرهنگ لغت پارسایار به صورت «عمل ناپدید شدن و نابودی» است. حال آنکه واژه انتخاب شده توسط مترجم به هیچ وجه به معنی از بین بردن یک غده و یا بیماری بدخیم نیست، بلکه معادل فرانسه آن صرفاً به معنی نابود کردن چیزی است که امکان بوجود و ظهور مجدد آن وجود دارد. واژه «Eradication» می‌تواند معادل مناسبی برای این ترجمه باشد زیرا در فرهنگ لغت لاروس به صورت زیر آمده است:

«Extirpation complète d'un organe ou d'une tumeur» یعنی ریشه کن کردن کامل یک تومور. با توجه به توضیحات ارائه شده مترجم فرانسوی به جای واژه «Eradication» که معادل دقیق کلمه محو می‌باشد از واژه «disparition» استفاده کرده است؛ و به‌کارگیری این واژه به این سبب است که از شدت مفهومی واژه «محو» که در متن مبدأ پررنگ است بنا به دلایل ایدئولوژیک بکاهد و از واژه‌ای با خطر کم تر استفاده کند؛ تا از این طریق به خواننده فرانسوی زبان این گونه القا کند که کشور ایران نسبت به مواضع خود در قبال اسرائیل دچار عقب نشینی شده است.

۳. مورد سوم

جدول ۳

AFP: <u>Tuer</u> Soleimani en Irak n'était «pas une bonne idée» selon le chef d'état-major français.	خبر به زبان اصلی
ایرنا: به گزارش خبرگزاری فرانسه، ژنرال فرانسوا لکوانتر با محکوم کردن ترور سردار سلیمانی در کنفرانس مطبوعاتی گفت: ایده <u>ترور</u> سردار سلیمانی در عراق اصلاً ایده خوبی نبود	ترجمه ارائه شده
به گفته فرماده کل ارتش فرانسه، کشتن سلیمانی در عراق «ایده خوبی» نبود.	ترجمه کلمه به کلمه

سبک واژگانی

مطالعات «زبان سیاسی» اغلب روی سبک واژگانی تمرکز می‌کنند. واژه‌ها و تنوعات آنها نشانگر الگوهای ذهنی نهفته در رویدادهای قومی و نژادی هستند. استفاده از واژگان خاص به منظور تأثیرگذاری بر مردم است، مانند استفاده از فعل «tuer» در این جمله به معنی «کشتن»؛ در حالیکه از نظر ایرانیان این اقدام «ترور» محسوب می‌شود و بار معنایی فعل استفاده شده توسط ژنرال فرانسوی آن را نمی‌رساند و این کار تنها با انگیزه کم اهمیت جلوه دادن شهادت سردار سلیمانی صورت گرفته است.

تلویح و پیش‌انگاشت

در جمله ژنرال فرانسوا لکوانتر «کشتن سلیمانی در عراق ایده خوبی نبود»، این معنای ضمنی وجود دارد که بهتر بود این کار در عراق اتفاق نمی‌افتاد.

دیدگاه

ضد مسلمانان: عدم استفاده از لقب «سردار» برای شهید سردار سلیمانی، نشان می‌دهد که ژنرال فرانسوی احترامی برای سردار ایرانی قائل نبوده است و قطعاً این مسئله به سیاستهای ضد اسلامی فرانسویان بر می‌گردد.

طرح‌واره

اخبار منفی درباره مدافعان حرم و رزمندگانی که در عراق و سوریه برای دفاع از مواضع مسلمانان مستقر هستند، مبنی بر اینکه اکثر آنها از نیروهای تروریست حمایت می‌کنند.

ترجمه

تشدید

شدت و قوت گرفتن گریز ناپذیر معنا و ویژگی‌های سبکی و گفتمانی، از مشکلات رایج مترجمان است. این امکان در تمام سطوح زبان (واژگانی، معنایی، نحوی، دستوری، متنی و سبکی) وجود دارد. این تشدید یا به دلیل تفاوت‌های زبانی و فرهنگی است (میناباد، ۱۳۹۶: ۲۴۹) و یا به دلیل ایدئولوژی حاکم بر آن رسانه.

واژه «*tuer*» در فرهنگ لغت *لاروس* به معنای «باعث مرگ کسی شدن» تعریف شده است. معنی فارسی این واژه در فرهنگ لغت *پارسایار* به صورت: «کشتن، به قتل رساندن، هلاک کردن» آمده است. در قتل ساده و یا کشتن لزوماً فرد به دنبال این است که به هدف خود یعنی سلب حیات فرد مورد نظر دست یابد اما این در حالی است که ترور با انگیزه سیاسی همراه است و فرد تروریست در صدد ایجاد ترس، رعب و وحشت در میان مردم است. خبرگزاری ایرنا در ترجمه واژه مورد نظر از کلمه «ترور» استفاده کرده است. «ترور» در لغت در زبان فرانسه به معنای «هراس و هراس افکنی» است؛ در سیاست به کارهای خشونت آمیز و غیر قانونی حکومت‌ها برای سرکوب مخالفان خود و ترساندن آنها و نیز کردار گروه‌های مبارزی که برای رسیدن به هدف‌های سیاسی خود دست به کار خشونت آمیز و هراس‌انگیز می‌زنند ترور نامیده می‌شود. (آشوری، ۱۳۶۶: ۹۸). واژه «ترور» در فرهنگ معین به این صورت آمده است: «ترور معنی ترس زیاد، بیم و هراس، خوف و وحشت است، و در اصطلاح سیاست، یعنی کشتن و از بین بردن مخالفان و ایجاد رعب و وحشت در میان مردم (فرهنگ فارسی عمیدذیل کلمه ترور)». در نتیجه استفاده کلمه «ترور» به جای «کشتن» در خبرگزاری ایرنا می‌تواند به دلیل این باشد که اقدام آمریکا خشونت آمیز، زورمدارانه و غیر قانونی بوده و با هدف برانداختن حکومت ایران بوده است. البته از این نکته نیز نباید غافل شویم که وقتی خواننده فارسی زبان این ترجمه را می‌خواند این گونه می‌پندارد که کشور فرانسه نیز اقدام آمریکا را ترور می‌دانسته و نه کشتن؛ این در حالی است که اکثر سایت‌های خبری فرانسه از واژه «کشتن» به جای «ترور» کردن استفاده کرده‌اند.

۴. مورد چهارم

جدول ۴

Georges Malbrunot: Les rassemblements monstres depuis hier en Iran à l'occasion des funérailles de Qassem Soulaïmani sont très probablement les plus importants depuis <i>la mort</i> de l'ayatollah Khomeiny en 1988	خبر به زبان اصلی
باشگاه خبرنگاران	ترجمه ارائه شده

<p>«ژرژ ملبرونو» خبرنگار روزنامه فرانسوی لوفیگارو در توثیقی نوشت: تجمعاتی که از دیروز در ایران به مناسبت بزرگداشت سردار سلیمانی برگزار می‌شود به احتمال زیاد گسترده‌ترین تجمع بعد از رحلت آیت‌الله خمینی در سال ۱۹۸۸ است.</p>	
<p>تجمعات عظیم که از دیروز به مناسبت خاکسپاری قاسم سلیمانی در ایران برگزار می‌شود، احتمالاً مهم‌ترین تجمعات بعد از فوت آیت‌الله خمینی محسوب می‌شود.</p>	<p>ترجمه کلمه به کلمه</p>

دیدگاه

همانگونه که پیشتر گفته شد رویدادها معمولاً از دیدگاه خاصی شرح داده می‌شود. به عبارت دیگر، دیدگاه منظری است که از زاویه آن رویدادها دیده می‌شوند. در این جملات نیز روزنامه نگار از لقب «سردار» برای خطاب به سردار سلیمانی استفاده نکرده و اینگونه دیدگاه و ایدئولوژی خود مبنی بر کم اهمیت جلوه دادن جایگاه شهید سردار سلیمانی را نشان داده‌اند.

سبک واژگانی

خبرنگار فرانسوی از صفت «monstre» برای توصیف تجمعات مردم استفاده کرده است. این صفت عامیانه و در کل بار منفی دارد، در صورتیکه وی می‌توانست از صفتهای دیگری همچون «prodigieux»، «immense»، «grandiose» استفاده نماید.

تلویح و پیش‌انگاشت

با مقایسه تجمعات عظیم مردم به مناسبت بزرگداشت سردار سلیمانی با رحلت آیت‌الله خمینی این معنای ضمنی وجود دارد که بالاترین میزان شرکت مردمی در خیابانها بدون شک به مناسبت رحلت حضرت آیت‌الله خمینی بوده است.

ترجمه

تشدید

فرهنگ لغت لاروس واژه Mort را به صورت «توقف کامل حیات و زندگی انسان و موجود زنده» تعریف کرده است. هم‌چنین فرهنگ لغت پارسایار معنی کلمه Mort را به فارسی «مرگ» نوشته است. در لغت نامه دهخدا برای معنی «مرگ» چنین آمده است: «فنای حیات، نیست شدن زندگانی، موت، وفات، اجل، از گیتی رفتن، مقابل زندگی». در فرهنگ

معین مرگ به « فوت، قطع حیات و از بین رفتن زندگی » معنا شده است. مترجم به جای استفاده از واژه مرگ از کلمه رحلت استفاده کرده است. واژه «رحلت» در لغت نامه دهخدا/ به معنای: « کوچ، هجرت، روانگی، روانه و راهی شدن» آورده است. در ادبیات فارسی معمولاً این واژه برای افراد معصوم و مقدس به کار می‌رود مانند رحلت پیامبر، رحلت حضرت زهرا و... و مترجم نیز با در نظر گرفتن جایگاه معنوی امام خمینی (ره) از واژه «رحلت» به جای «مرگ» استفاده کرده است.

۵. مورد پنجم

جدول ۵

ایسنا استاندار سیرجان: هیچ‌کدام از نیروهای امنیتی دستور شلیک مستقیم را نداشتند و فقط برای حفاظت از مخازن حساس سوخت کشور مجوز شلیک تیر هوایی را داشتند که این کار را نیز انجام داده‌اند.	خبر به زبان اصلی
Figaro Selon lui, les «forces de sécurité n'avaient pas reçu l'autorisation de tirer (sur les manifestants), elles avaient seulement été autorisées à tirer (en l'air) en signe d'avertissement (...) ce qu'elles ont fait..	ترجمه ارائه شده
Selon lui, aucune force de sécurité n'avait pas l'autorisation de tirer et elles avaient seulement été autorisées à tirer pour la protection des dépôts de carburant du pays, ce qu'elles ont fait..	ترجمه کلمه به کلمه

سخنوری

استاندار سیرجان در جایگاه قدرت از جمله «هیچ‌کدام از نیروهای امنیتی دستور شلیک مستقیم را نداشتند» استفاده کرده که این نکته بیانگر این مطلب است که وی به عنوان مسئول اجازه دستور دادن را داشته‌است.

تأثیرگذاری

استاندار سیرجان بعد از بیان این مطلب که نیروهای امنیتی دستور شلیک نداشتند، دلیل تراشی می‌کند و می‌گوید: «فقط برای حفاظت از مخازن حساس سوخت کشور مجوز شلیک

تیر هوایی را داشتند» و این نکته بسیار اهمیت دارد زیرا به وضوح مشخص می‌شود چرا چند تن در اثر شلیک گلوله کشته شده‌اند.

دیدگاه

ضد اغتشاش و آشوب: زیرا بعد از گران شدن بنزین، عده زیادی از افراد گوناگون به خیابانها ریختند و امنیت ملی را بهم زدند.

تلویح و پیش‌انگاشت

نحوه بیان جملات بیانگر این معنای ضمنی است که احتمالاً بعد از کشته شدن چند تن از ایرانیان در سیرجان، از استاندار این شهر درباره این اتفاق سؤال کرده‌اند.

انسجام معنایی

متن و گفتار این سخنان، شامل ترتیب جملاتی است که بیان‌کننده اندیشه هستند. گزاره‌ها و جملات چنین ترتیبی، تا حد زیادی با همدیگر مرتبطند. استاندار سیرجان بعد از بیان این جمله «هیچ‌کدام از نیروهای امنیتی دستور شلیک مستقیم را نداشتند» می‌گوید «و فقط برای حفاظت از مخازن حساس سوخت کشور مجوز شلیک تیر هوایی را داشتند» و در آخر اضافه می‌کند «که این کار را نیز انجام داده‌اند.»

ترجمه

حذف، کاهش

حذف به گونه‌ای صورت می‌گیرد که بازشناسی کنشگران به هیچ روی ممکن نیست حتی اعمال و رفتار آنها نیز حذف می‌شود. در واقع، کنشگران به طور کامل به حاشیه رانده شده و توجه از آنها گرفته می‌شود. ون لیوون (۲۰۰۸: ۲۹) این گونه حذف را حذف افراطی می‌نامد که به اهداف و منافع تولیدکنندگان متن و گفتمان بستگی دارد. در واقع از این طریق، نویسنده/مترجم به کمرنگ و یا پنهان کردن واقعیت در متن می‌پردازد. زمانی که مسائل اخلاقی، ایدئولوژیک، مذهبی و دینی با ذوقیات و فرهنگ زبان مقصد سازگاری نداشته باشد، مترجم به سانسور این گونه موارد روی می‌آورد.

بعد از اعتراضات و اغتشاشاتی که به دنبال گران شدن بنزین در کشور به وجود آمد؛ استاندار سیرجان در مصاحبه با خبرگزاری ایسنا جمله بالا را گفته بود. خبرگزاری فیگارو در ترجمه خود عبارت «برای حفاظت از مخازن حساس سوخت کشور» را حذف کرده است! مترجم در اینجا سعی کرده است تا از طریق حذف این واژگان به پنهان کردن حقیقت بپردازد زیرا خواننده فرانسوی با خواندن این ترجمه می‌پندارد که نیروهای امنیتی در ایران بر روی معترضین و یا به عبارتی مردم و نه اغتشاشگران بدون دلیل خاصی تیراندازی می‌کنند، که این امر باعث تداعی خشونت پلیس علیه مردم می‌شود. مترجم در اینجا با اتخاذ چنین راهبردی به دنبال القای خشونت توسط مأموران امنیتی ایران علیه مردم و نشان دادن تصویری منفی از ایران می‌باشد.

۶. مورد ششم

جدول ۶

سایت رهبری از ابتدای انقلاب اسلامی تا به امروز همچنان بر این موضع باقی هستیم، یعنی بدون ملاحظه و رودربایستی به فلسطین و فلسطینی‌ها کمک کرده و خواهیم کرد و این کار را وظیفه همه دنیای اسلام می‌دانیم.	خبر به زبان اصلی
Times of Israël A-t-il dit : Peu après la victoire de la Révolution [Islamique de 1979], la République Islamique a donné le centre sioniste de Téhéran aux Palestiniens. Nous avons aidé les Palestiniens, et nous continueront en ce sens. Le monde musulman entier devrait en faire de même.	ترجمه ارائه شده
Selon lui, aucune force de sécurité n'avait pas l'autorisation de tirer et elles avaient seulement été autorisées à tirer pour la protection des dépôts de carburant du pays, ce qu'elles ont fait..	ترجمه کلمه به کلمه

دیدگاه

در جملات آیت الله خامنه‌ای از ضمیر «ما» استفاده شده که بیانگر دیدگاه همه ایرانیان مبنی بر کمک به فلسطینی‌ها می‌باشد.

طرح‌واره

برادری و دوستی با مردم فلسطین: از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون کمک به ملت فلسطین جزء واجبات دینی ایرانیان محسوب می‌شوند.

سخنوری

استفاده از واژه‌های «فلسطین» و «فلسطینی‌ها» از اهمیت جایگاه این ملت در ذهن رهبر حکایت دارد. کاربرد جملاتی همچون «همچنان بر این موضع باقی هستیم»، «بدون ملاحظه و رودربایستی»، «کمک کرده و خواهیم کرد» و «این کار را وظیفه همه دنیای اسلام می‌دانیم» قاطعیت سخنان و جایگاه قدرت رهبر انقلاب را نشان می‌دهد. و به علاوه موضوع کمک به فلسطینیها را در ذهن مردم بسیار مهم جلوه داده‌اند و بر آنها تأثیر گذاشته‌اند.

کارگفت

گفتمان نوعی کنش اجتماعی است. پاره‌گفتارهای خاص در بافت‌های خاص (کارگفت) یافت می‌شوند، مانند پرسش، درخواست، قول دادن و تهمت زدن. کارگفت شامل دستور، تهدید و سفارش است. بافت کلام آیت الله خامنه‌ای دستوری است و نشانگر جایگاه وی به عنوان بالاترین مقام کشور است.

انسجام معنایی

بعد از ذکر موضوع «از ابتدای انقلاب اسلامی تا به امروز همچنان بر این موضع باقی هستیم» به اهمیت کمک به مردم فلسطین و اینکه بی‌هیچ «ملاحظه و رودبایسی» باید به ملت فلسطین کمک کرد.

ترجمه

حذف و کاهش

رهبر انقلاب اسلامی در دیدار مسئولان نظام، مهمانان کنفرانس وحدت و سفرای کشورهای اسلامی در مورد علت مصائب امروز دنیای اسلام به‌ویژه وضع تأسف‌بار فلسطین پرداختند و در همین راستا جمله مذکور را بیان کردند. ایشان در صحبت‌های خود به اهمیت موضوع فلسطین و فلسطینی‌ها پرداختند. در تعریف این واژه لغت نامه دهخدا نوشته است: «فلسطین از اجناد

شام است و نسبت بدان فلسطین و فلسطینی است. بنابراین منظور از فلسطین کشور فلسطین و فلسطینی‌ها که صفت ملیت می‌باشد در بردارنده مردم فلسطین است. سایت خبری تایمز اسرائیل با پوشش اظهارات ایشان، به ترجمه آن پرداخت. این سایت در ترجمه عبارات مذکور تنها از واژه *les Palestiniens* استفاده کرده است. فرهنگ لغت *سانز/جان*^۱ این واژه را این گونه تعریف کرده است: «*peuple arabe originaire de Palestine*» که به معنای مردم عرب فلسطین است. در واقع این کلمه صفت ملیت می‌باشد و اشاره به مردم فلسطین دارد نه کشور فلسطین. این خبرگزاری با پشتیبانی از سیاست‌های اشغالگرانه اسرائیل دست به این اقدام زده است تا در دراز مدت بتواند نام کشور فلسطین را به طور کلی در اذهان عمومی حذف کند؛ به طوری که اگر نام رژیم جعلی اسرائیل را در اینترنت جست‌وجو کنید، هیچ نتیجه‌ای از فلسطین نمایش داده نمی‌شود. حتی نقشه گوگل کوچکترین جزئیات در سرزمین‌های اشغالی را نمایش می‌دهد اما اطلاعاتی درباره بزرگترین شهرهای فلسطین - خان یونس، غزه و نابلس - را نشان نمی‌دهد. به عبارتی از طریق این گونه ترجمه می‌خواهند فلسطین را در فلسطین کاملاً محو و به یک کشوری جعلی تبدیل کنند.

۶. نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت بالای نقش انتقال اخبار و اطلاعات در شکل‌دهی و جهت‌دهی افکار عمومی، ترجمه این نوع متون را می‌توان از زوایای مختلفی بررسی و نقد کرد. در این مقاله به نقد انتخاب‌های مترجم در سطح واژگان متون مطبوعاتی با رویکرد تحلیل انتقادی گفتمان پرداختیم.

مترجمان متون مطبوعاتی به خصوص متون سیاسی برای انعکاس افکار و باورهای خود و قوانین حاکم بر آن رسانه، از راهبردهای ایدئولوژیک استفاده می‌کنند تا از آن طریق اتفاقات و رویدادهای سیاسی را مطابق با سیاست و ایدئولوژی خود به مخاطب انتقال دهند. در این مقاله به بررسی این موضوع با ارائه ابزارهای نقد ترجمه و تلفیق این ابزارها با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی پرداختیم تا متوجه شویم مترجمان تا چه اندازه از این ابزارها برای انتقال باورها و

1. sensagent

ایدئولوژی‌های خود در ترجمه متون مطبوعاتی بخصوص متون سیاسی استفاده کرده‌اند. در ترجمه این نوع متون عوامل مختلفی در انتخاب‌های مترجم مانند ایدئولوژی حاکم بر آن رسانه یا کشور و یا باورها و تفکرات خود مترجم تأثیر گذارند و باعث می‌شوند تا ترجمه‌های مترجم جهت دار و دنبال کننده خط فکری خاصی باشد.

به منظور تلفیق رویکرد تحلیل انتقادی گفتمان و نقد ترجمه، الگویی را ارائه دادیم که بیانگر خط سیر و تحلیل پژوهش حاضر است. ابتدا هر خبر را مطابق با رویکرد ون‌دایک بررسی کرده و عناصری همچون دیدگاه، تلویح و پیش‌انگاشت، کارگفت، تأثیرگذاری، طرح واره و کارگفت‌ها را از بافت جمله بیرون کشیدیم. لازم به ذکر است که در این بخش از تحلیل، تنها به ساخت‌های معنایی (زیر ساخت) اکتفا کردیم، زیرا این ساخت‌ها مستقیم با بحث انتقال معنا در بحث ترجمه در ارتباط است. سپس بعد از بیان ایدئولوژی و نظام حاکم بر تفکر سخنگوی خبر، به مقایسه و مقابله ترجمه آن با اصل خبر و اهمیت برخی از واژگان نزد سخنگو و معادل‌های انتخابی مترجم پرداختیم و در آخر ترندهایی که مترجم به منظور هماهنگ کردن متن اصلی با ایدئولوژی حاکم بر سیاست کشور خود استفاده کرده‌است، بیان شده‌است.

تفاوت باورهای عقیدتی دیدگاه‌های مترجم و مؤلف باعث حذف، تعدیل، افزایش، تشدید و رقیق سازی در ترجمه این نوع متون در زبان مقصد شده است. بر اساس این تحقیق مترجمان در انتخاب‌های واژگانی غالباً با استفاده از ابزارهای خاصی که به برخی از آن‌ها اشاره کردیم به دنبال القای ایدئولوژی خود در ترجمه هستند. در این تحقیق مشخص شد که بیشترین تغییرات ایدئولوژیک در ترجمه برای انتقال خط فکری خاصی به مخاطب در سطح واژگان و انتخاب‌های واژگانی مترجم برمی‌گردد.

از جمله استراتژی‌های به کار رفته توسط مترجم می‌توان به به‌نمایی، حذف، تشدید اشاره کرد. مترجم برای این که بتواند ایدئولوژی خود را به کارگیرد نیاز به ابزارهایی دارد که با تکیه بر آن‌ها، القای باورهای خود برای مخاطب باور پذیر می‌شود.

همچنین با توجه به تحقیقات صورت گرفته می‌توان گفت که وفاداری مترجمان در ترجمه این نوع متون به شدت کاهش می‌یابد و انتخاب‌های مترجم بی‌طرفانه نیست و رخدادها را به شیوه‌ای انتقال می‌دهند که مد نظر آنها باشد. از پیامدهای ترجمه ایدئولوژیک متون سیاسی در

مطبوعات می‌توان به عدم انعکاس حقیقی خبر و دگرگونه جلوه دادن واقعیت و حقایق اشاره کرد در نتیجه همین امر می‌تواند باعث مدیریت اذهان عمومی مخاطب مقصد نسبت به اتفاقات زبان مبداء و پیام نویسنده مبداء شود.

کتابنامه

- افخمی، ع.، عابدینی، س.، و محمودی بختیاری، ب. (۱۳۹۸). تحلیل گفتمان انتقادی سخنرانی‌های دونالد ترامپ در مورد مهاجران. *فصلنامه زبان‌شناسی اجتماعی*، ۲، ۵۱-۶۱.
- آشوری، د. (۱۳۶۶). *دانشنامه سیاسی*. تهران: سهروردی و مروارید.
- آقاگل‌زاده، ف. (۱۳۸۵). *تحلیل انتقادی گفتمان*. تهران: علمی و فرهنگی.
- آقاگل‌زاده، ف.، و فیروزیان پوراصفهانی، آ. (۱۳۹۵). بررسی بازنمایی ایدئولوژی در متون ترجمه شده سیاسی انگلیسی در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی: محورهای سبک و بلاغت. *مجله زبان‌شناسی و گویشهای خراسان*، ۱۴ (۱۴)، ۴۵.
- حامدی ش.، شریفی، ش. (۱۳۹۳). تأثیر مؤلفه‌های واژگانی بر میزان صراحت یا پوشیده‌گویی در متون مطبوعاتی. *مطالعات فرهنگ ارتباطات*، (۲۵)، ۱۷۱-۱۹۶.
- خان‌جان، ع. (۱۳۹۲). اثر ایدئولوژی بر ترجمه خبر: یک مطالعه موردی. *فصلنامه مطالعات زبان و ترجمه*، ۴۶ (۳).
- رضاپور، ا.، و احمدی، ش. (۱۳۹۵). کارکردهای استعاره دستوری اسم‌سازی در گفتمان سیاسی فارسی و انگلیسی: رویکرد ون‌دایک. *علم زبان*، (۴)، ۵۹-۸۲.
- شیروودی، م. (۱۳۸۲). اسلام و تروریسم. *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ۱۵۳ (۵۹)، ۱۷۳.
- علی‌بابایی، غ. (۱۳۷۷). *فرهنگ روابط بین‌الملل*. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- فرحزاد، ف. (۱۳۸۲). چارچوبی نظری برای نقد ترجمه. *فصل نامه مطالعات ترجمه* ۱ (۳)، ۳۰-۳۴.
- کاظمی، م.، صادقی، ش.، و شاکری، م. (۱۳۹۵). تحلیل جریان‌های اسلام‌گرای سلفی در فرانسه. *جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام*، ۹ (۴)، ۱۱۰.
- هاشمی میناباد، ح. (۱۳۹۴). ابزارهای مفهومی نقد ترجمه (۲)، فنون و راهبردها، تکنیک‌ها و تاکتیک‌ها. *فصل نامه نقد کتاب ادبیات* ۱۲ (۳)، ۲۴۷-۲۴۹.
- یارمحمدی، ل. (۱۳۸۳). *گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی*. تهران: هرمس.

- Amalsaleh, E. & Sajjadi, S. (2004). War representation in the Bush's September 11th speech. *IJAL*, 7(1), 25-43.
- Fiske, J. (1988). *Television culture*. London and New York: Routledge.
- Hartley, J. (1989). *Understanding news*. London and New York: Routledge.
- Larousse, P. (1941). *Dictionnaire Larousse*. Paris: Educa Books.
- Machin, D., & Mayer, A. (2012). *How to do critical discourse analysis*. Thousand Oakes: Sage.
- McGregor, S. (2003). Critical Science Approach-A Primer. *Kappa Omicron Nu Working Paper Series*.
- Parsayar, M. R. (1998). *Dictionnaire Français- Persan*. Téhéran: Farhang Moaser. Pompeu Fabra University Press.
- Van Dijk, T. (2004). *Ideology and discourse a multidisciplinary introduction*. Barcelona:
- Van Dijk, T. A. (2000). *Ethnic Minorities and the Media, News Racism: A Discourse Analytical Approach*, Buckingham, UK. Open University Press, 33 - 49.
- Van Dijk, T. A. (1998). *Critical Discourse Analysis*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Van Dijk, T.A (1991). *Racism and The Press*. London and New York, Routledge.
- Van Dijk, T. (2007). *Opinions and ideologies in the press* (Z. Haddad & K. Shahani, Trans.).